

ترکشوند، احسان

تحلیل و بررسی منشأ ارزش اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی^ع، شهید مطهری^ع و
استاد آیت‌الله مصباح یزدی^ع

سال دفاع: ۱۳۸۶

راهنما: اکبر میرسپاه

مشاور: مجتبی مصباح

چکیده

مفاد این رساله، تحلیل و بررسی بایدونباید اخلاقی است. علامه طباطبایی^ع متأثر از استاد خویش، مرحوم محقق اصفهانی، بایدونباید را اموری اعتباری دانسته است که انسان آن را بین خود و فعلش جعل می‌کند تا فعل ضرورت یابد. درباره حسن و قبح نیز ایشان دو نظریه دارد: یکی همان که در کتاب‌های فلسفی و اصولی‌اش مورد بحث قرار داده و طبق آن، حسن و قبح را اموری نسبی می‌داند؛ دیگری همان معنایی است که در تفسیر المیزان و رساله الولایه و... از آن بحث کرده و آن را ملائمت و منافرت فعل با غایت مطلوبه معرفی می‌کند. برداشت دوم ایشان از حسن و قبح، ما را به این نکته رهنمون می‌شود که وی مفهوم حسن و قبح را «معقول ثانی فلسفی» می‌داند، هرچند خودش به آن توجهی ندارد. به‌رصورت این دیدگاه اشکالاتی دارد و قانع‌کننده نیست. شهید مطهری^ع نیز به تبع استاد خویش، علامه طباطبایی^ع، بایدونباید را اموری اعتباری می‌داند، ولی با تفکیک من علوی از من سفلی، برای اثبات جاودانگی اصول اخلاقی می‌کوشد؛ به این معنا که اصول اخلاقی را موافق با من علوی، و این من را مشترک میان همه انسان‌ها و موافق فطرت می‌داند و اختلافات انسان‌ها را به من سفلی

نسبت می‌دهد. ایشان با حفظ نظریه اعتباریات، اخلاق مطلق را اثبات می‌کند. حسن و قبح را نیز اموری اعتباری و نسبی می‌داند که مفاد آن، همان ملائمت و منافرت با طبع انسان است. این دیدگاه نیز قانع‌کننده نیست.

استاد مصباح یزدی (دام‌ظله)، مفاد باید و نباید را همان ضرورت بالقیاس میان فعل فاعل و نتیجه آن می‌داند و از آنجا که نتیجه، محبوب و مطلوب فاعل است با فاعل نیز ارتباط می‌یابد. ایشان همچنین مفهوم حسن و قبح را جزء معقولات ثانیه فلسفی آورده که عروضشان ذهنی و اتصافشان خارجی است. وی اگرچه حسن و قبح را ملائمت و منافرت فعل با طبع انسان معرفی می‌کند، تأکید دارد که هرچند یک طرف این ملائمت و منافرت، انسان است، ولی نه از آن جهت که دارای سلیقه و ذوق خاصی است (برخلاف عقیده علامه طباطبایی^{۱۰} و شهید مطهری^{۱۱})، بلکه از آن جهت که کمالی برای انسان در خارج محقق می‌شود. در واقع، ایشان حسن و قبح را از مصادیق مفهوم علیت می‌داند که از رابطه علیت و معلولیت میان فعل اختیاری انسان و کمال مطلوب او انتزاع می‌شوند. پژوهشگر در نهایت، این دیدگاه را قانع‌کننده دانسته است.